

موضوع: کتاب الصلاة / ستر / پوشش زن در نماز

استثناء وجه، کفین و قدمین

اجماعی بر استثناء «وجه و کفین و قدمین» وجود ندارد. بین فقها از قدیم و جدید، و قدما و متأخرین اختلاف نظر وجود دارد؛ لکن مشهور، بلکه شهرت عظیمه، بر این استثناء قائم است. این شهرت عظیمه فی نفسه نمی تواند از حجیت برخوردار باشد، زیرا مستند به نصوص است. بلکه می توان احراز کرد که مشهور به همین نصوص استناد کرده اند. اجماع نیز اگر وجود می داشت، از حجیت ساقط بود تا چه رسد به شهرت. بنابراین، عمده دلیل در این مقام، نصوص است که هم از کتاب و هم از سنت بر این امر دلالت دارند.

دلیل اول: اطلاق آیه شریفه

اما نص کتاب، اطلاق آیه شریفه «الا ما ظهر» است. پیش تر بیان شد که یکی از موارد متیقن از داخل این اطلاق، آن است که «ما ظهر» به معنای آشکار شدن غیر اختیاری باشد؛ یعنی به سبب وزش باد یا غفلی، بدن مرأة و مواضع زینت و محاسن او در حال نماز معلوم شود. در این صورت که کشف آن از اختیار زن خارج بوده، مبطل نماز نیست. این یک استثناء منقطع است، زیرا امری غیر اختیاری است.

اما چرا «وجه و کفین و قدمین» داخل این اطلاق باشد؟ به این دلیل که عادت زنان عرب در زمان نبی مکرم (صلوات الله علیه) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بر این جاری بوده که در تعاملات و روابط اجتماعی، وجه و کفین خود را نمی پوشاندند. چنانکه «شیخ انصاری» بیان زیبایی در این خصوص دارد و از آن به «سیره مستمرة من عهد النبی و الائمة (علیهم السلام) الی زماننا» تعبیر کرده است. زنان عقیفه در آن زمان، همگی پوشیه نمی زدند و صورت و کفین ایشان معلوم بود. البته «شیخ انصاری» در این سیره، قدمین را داخل نکرده است؛ اما اگر عادت بر ابداء (آشکار کردن) قدمین نیز جاری بوده باشد، استثناء آن بعید نیست. درست است که در میان قوم فارس چنین عادت و وجود ندارد، ولی بعید نیست که در میان عرب چنین بوده باشد که قدم (از مچ پا به پایین) در هنگام راه رفتن در معرض دید قرار داشته است.

****دلیل دوم: روایات****

در خصوص این مسئله، نص صحیح بر جواز کشف وجه و کفین وجود دارد. همچنین برای قدمین نیز نص در دست است. منتهی روایت مربوط به وجه و کفین، صحیح است اما روایت مربوط به قدمین، مرسله است. لکن با توجه به فتوای اصحاب و شهرت عظیمه که قدم‌ها را نیز داخل در استثناء دانسته‌اند، ضعف سندی این روایت به فتوای مشهور جبران می‌شود. علاوه بر این، اطلاق «ما ظهر» نیز فی‌نفسه شامل این موارد می‌شود، به این معنا که «ما ظهر من مواضع زینتین حسب عادتین». افزون بر آن، نص صحیح نیز در این باب وجود دارد.

صحیحہ مسعدہ بن زیاد

عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ «وَسُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ»^۱.

مقصود از جعفر، امام صادق علیه السلام است.

از ایشان درباره زینتی که زن می‌تواند آشکار کند، سؤال شد، حضرت وجه و کفین را بیان کردند. این روایت مطلقه است و وقتی مطلق باشد، شامل حال نماز نیز می‌شود.

در این روایت سخنی از قدامان نیامده است ولی در مرسل مروک قدامان نیز استثناء شده است.

مرسل مروک

عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُثَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَرَى مِنَ الْمَرْأَةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَحْرَمًا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّانِ وَ الْقَدَمَانِ»^۲.

از حضرت سوال شد که مرد، چه مقدار از بدن زن نامحرم را می‌تواند ببیند؟ حضرت فرمودند وجه و کفان و قدامان. اگرچه این روایت مرسل است، اما چون شهرت عظیمه‌ای که ذکر شد، همگی «قدامان» را در استثناء آورده‌اند، از این جهت ضعف سند آن به واسطه شهرت جبران می‌شود.

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۴، ص ۱۴۶، أبواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۹، ح ۵، ط الإسلامية.

۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۴، ص ۱۴۶، أبواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۹، ح ۲، ط الإسلامية.

****بررسی نصوص خاص باب صلاة (اطلاق مقامی)****

علاوه بر ادله فوق، نصوصی در خصوص نماز وارد شده که به «اطلاق مقامی» دلالت دارند بر اینکه پوشش هیچ یک از وجه، کفین و قدمین در حال نماز واجب نیست.

صحیحه فضیل

عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلَّتُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا سَلَامٌ فِي دِرْعٍ وَخِمَارُهَا عَلَى رَأْسِهَا لَيْسَ عَلَيْهَا أَكْثَرُ مِمَّا وَارَتْ بِهِ شَعْرَهَا وَ أَذُنَيْهَا».^۳

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با یک پیراهن (درع) و مقنعه‌ای (خمار) که بر سر داشتند نماز خواندند و بیش از آنچه مو و گوش هایشان را می پوشاند، پوششی نداشتند. فعل حضرت زهرا (سلام الله علیها)، همچون فعل نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر ائمه (علیهم السلام)، به اجماع اصحاب و بلکه به ضرورت مذهب، حجت است. لذا اگر ستر وجه واجب بود، می بایست ذکر می شد. همین که حضرت اینگونه نماز خواندند، یعنی این عمل جایز است و کفایت می کند و بر عدم اشتراط ستر وجه دلالت دارد.

صحیحه علی بن جعفر

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ «أَنَّهُ سَأَلَ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ لَيْسَ لَهَا إِلَّا مِلْحَفَةٌ وَاحِدَةٌ كَيْفَ تُصَلِّي قَالَ تَلْتَفُ فِيهَا وَ تُعْطَى رَأْسُهَا وَ تُصَلِّي فَإِنْ حَرَجَتْ رِجْلَهَا وَ لَيْسَ تَقْدِرُ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ».^۴

علی بن جعفر پرسید: زنی که تنها یک «ملحفه» (پارچه بزرگ) دارد، چگونه نماز بخواند؟ فرمودند: خود را در آن پیچاند و سرش را بپوشاند و نماز بخواند. اگر پایش خارج شد و توانایی پوشاندن آن را نداشت، اشکالی ندارد. ذیل این روایت مفهوم دارد؛ یعنی اگر توان پوشاندن دارد باید بپوشاند. ولیکن باید توجه داشت که «قدمان» غیر از «رجل» است. «رجل» به کل پا اطلاق

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۳، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۱، ط الإسلامية.

^۴ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۴، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۲، ط الإسلامية.

می‌شود، اما «قدمان» اسم خاص برای کف پا تا مچ است. لذا مفهوم این روایت، شامل وجوب پوشاندن «قدمان» در صورت تمکن نمی‌شود؛ چرا که در تمام نصوص این باب، «قدمان» به صورت جداگانه ذکر شده و از آن به «رجل» تعبیر نشده است. وجه دلالت این روایت بر مدعا، «اطلاق مقامی» است. حضرت فرمودند: «تغطی رأسها». سؤال این است: آیا وجه، جزو رأس محسوب می‌شود؟ خیر. اگر پوشاندن وجه نیز واجب بود، امام می‌بایست می‌فرمود: «تغطی رأسها و وجهها». چون فرموده‌اند، این اطلاق مقامی بر عدم وجوب دلالت می‌کند. امام (علیه السلام) در مقام بیان تمام وظیفه بوده و چون ستر وجه را ذکر نکرده، معلوم می‌شود که واجب نیست؛ در غیر این صورت، تأخیر بیان از وقت حاجت لازم می‌آمد. شأن اطلاق مقامی، نفی تکلیف است و در اینجا وجوب ستر وجه را نفی می‌کند.

صحیحه ابن ابی یعفور

عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «تُصَلِّي الْمَرْأَةُ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ إِرَارٍ وَ دِرْعٍ وَ خِمَارٍ وَ لَا يَضُرُّهَا بَأَن تَقْنَعَ بِالْخِمَارِ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَوَيْبِينَ تَتَرَّرُ بِأَحَدِهِمَا وَ تَقْنَعُ بِالْآخَرِ قُلْتُ فَإِنْ كَانَ دِرْعٌ وَ مِلْحَفَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا مِقْنَعَةٌ فَقَالَ لَا بَأْسَ إِذَا تَقْنَعَتْ بِمِلْحَفَةٍ...».

اگر زن سه لباس دارد با سه لباس نماز بخواند. درع همان پیراهن است و ازار مانند دامن است و خمار نیز روسری است که سر را می‌پوشاند.

اگر فقط دو لباس داشت با یکی سرش را بپوشاند و با دیگری بدنش را. و اگر یک درع و یک ملحفه داشت، باید با ملحفه سرش را بپوشاند و با همان ملحفه، کار مقنعه را انجام دهد.

در اینجا نیز امام نفرمود با ملحفه صورت و سرش را بپوشاند، بلکه فرمود کار مقنعه را انجام دهد. این نیز به اطلاق مقامی، بر عدم وجوب ستر وجه دلالت دارد.

صحیحه محمد بن مسلم

۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۵، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۸، ط الإسلامية.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَرَى لِلرَّجُلِ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ وَاحِدٍ فَقَالَ إِذَا كَانَ كَثِيفًا فَلَا بُأْسَ بِهِ وَالْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمِفْتَاحَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَغْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا».^۶

این روایت در مورد لزوم ضخیم بودن لباس نمازگزار (زن و مرد) است تا بدن نما نباشد و ارتباطی با بحث حاضر ندارد.

صحیحہ زرارہ

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَذْنَى مَا تُصَلِّي فِيهِ الْمَرْأَةُ قَالَ دِرْعٌ وَ مِلْحَفَةٌ فَتَنْشُرُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ تَجَلَّلُ بِهَا».^۷

کمترین لباسی که زن می تواند با آن نماز بخواند، پیراهن و ملحفه ای است که آن را بر سر خود بیندازد و سر را کاملاً با آن بپوشاند. «تجلل بها» یعنی پوشش سر فراگیر باشد، به گونه ای که حتی موی سر را نیز بپوشاند.

جمع بندی دلالت روایات

وجه دلالت این روایات، اطلاق مقامی است. الفاضلی چون «خمار»، «مقنعه»، «قمیص» و «ازار» در لغت، هر یک پوشاننده بخش خاصی از بدن هستند و هیچ کدام ذاتاً وجه، کفین و قدمین را نمی پوشانند. وقتی امام (علیه السلام) در مقام بیان تمام وظیفه زن در نماز، به همین مقدار اکتفا می کند، دلالت دارد بر اینکه پوشاندن این سه موضع واجب نیست. اطلاق، جزو ظواهر خطاب است و «کل ظاهر حجة». اطلاق، چه لفظی و چه مقامی، جزو دلالت های لفظی و حجت است. بنابراین، این نصوص دلالت دارد بر نفی وجوب ستر وجه، کفین و قدمین و عدم اشتراط آن در صحت نماز.

مسألة ۴

امام راحل فرموده اند:

«يجب على المرأة ستر رقبتها و تحت ذقنها حتى المقدار الذي يرى منه عند اختمارها على الأحوط».^۸

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۵، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۷، ط الإسلامية.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۵، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۹، ط الإسلامية.

^۸ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۷.

پوشاندن گردن و زیر چانه واجب است. دلیل آن این است که این دو موضع، داخل در معنای «وجه» نیستند. آنچه از وجوب پوشش استثناء شده، «وجه» است. پس وقتی این دو موضع از استثناء خارج شدند، تحت عموم وجوب ستر باقی می‌مانند. «خرج ما خرج و بقى ما بقى». این مواضع تحت عموم آیه «لا یبدین زینتهن» باقی می‌مانند. این یک تقریب برای اثبات وجوب است. دلیل دوم، آیه شریفه «یدنین علیهن من جلابیهن» است. «جلباب» به معنای پوشش سراسری است که بدن زن را «من قرنھا الی قدمھا» (از بالای سر تا قدم) می‌پوشاند. تعبیر «علیهن» نیز به معنای پوششی از بالای سر است که کل بدن را در بر می‌گیرد. این با سیاق آیه که می‌فرماید «ذلک ادنی ان یعرفن» (تا به عفاف شناخته شوند)، سازگاری کامل دارد. این پوشش سراسری، قطعاً گردن و زیر چانه را به طریق اولی در بر می‌گیرد.

دلیل سوم، آیه «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن» است. رقبه (گردن) و تحت الذقن (زیر چانه)، از دو حال خارج نیستند: یا ملحق به رأس هستند یا ملحق به جیب (گریبان). شأن «خمار» این است که هم رأس و هم جیب را بپوشاند. بنابراین، این دو موضع قطعاً جزو موضع باطن زینت هستند که خمار باید آن را بپوشاند.

مسألة ۵

امام راحل فرموده اند:

«الأمة و الصبیة كالحرّة و البالغة إلا أنه لا یجب علیهما ستر الرأس و الشعر و العنق».^۹

در مورد «امه» (کنیز) و «صبیه» (دختر بچه نابالغ)، اجماع وجود دارد و مخالفی نیست (بلاخلاف) که جایز است در حال نماز، سر را مکشوف بگذارند. در مورد «امه»، روایات مستفیضه نیز علاوه بر اجماع وجود دارد. در مورد «صبیه»، روایتی در دست نیست و دلیل اصلی، اجماع است.

ممکن است اشکال شود که در مورد صبیّه نیازی به تمسک به اجماع نیست، زیرا او اصلاً مکلف نیست. «صاحب جواهر» پاسخ داده است که: درست است که صبیّه تکلیف ندارد، اما عبادات او «مشروع» است و برای آنکه عبادتش صحیح باشد و ثواب ببرد، باید واجد شرایط صحت باشد. لذا جا دارد که شارع، پوشش سر را به عنوان یک تکلیف وضعی و شرط صحت

^۹ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۷.

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی حفظه الله تعالى - تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

برای او قرار دهد. با این وجود، اجماع قائم است بر اینکه این شرط وجود ندارد و همین اجماع جلوی چنین استدلالی را می‌گیرد. پس نیاز به تمسک به اجماع وجود دارد.